

سفر بہ عربستان

شامل سرزمین های مقدس مسلمانان در حجاز

جلد ۱

تألیف: یوهان لوییس بورکھارت

مترجمان: هادی ولی پور - مقداد عبادتی

مقدمه، تصحیح و پاورقی: محمدسعید نجاتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۷	دیباچه
۹	مقدمه مصحح
۱۱	درآمد
۱۱	الف) زندگینامه بورکهارت
۱۴	ب) اوضاع سیاسی و اجتماعی حجاز در دوره بورکهارت
۱۹	مقدمه مؤلف (بورکهارت)
۲۳	ورود به جده
۲۹	اطلاعاتی درباره جده و ساکنان آن
۴۷	اصناف و کالاهای تجاری جده
۶۹	نظام حکومتی جده
۷۷	در راه جده به طائف
۹۴	اقامت در طائف
۱۰۰	گزارش ملاقات‌ها با محمدعلی پاشا
۱۰۸	توصیف طائف
۱۱۳	سفر به مکه
۱۳۰	وصف مکه
۱۳۸	توضیح نقشه
۱۳۹	محله‌های مختلف مکه
۱۶۷	وصف مسجد الحرام در مکه

۲۰۰	 برخی اطلاعات تاریخی
۲۱۳	 توصیف اماکن متعدد زیارتی مکه و پیرامون آن
۲۱۳	 مولدالنبی
۲۱۳	 مولد حضرت فاطمه علیها السلام
۲۱۴	 مولد الامام علی علیه السلام
۲۱۴	 مولد ابوبکر
۲۱۵	 مولد ابوطالب
۲۱۵	 قبر سیدتنا خدیجه
۲۱۷	 کوه ابوقبیس
۲۱۸	 جبل نور
۲۲۰	 جبل ثور
۲۲۰	 مسجد العمره
۲۲۵	 ساکنان مکه و جده
۲۷۱	 حکومت مکه
۲۹۵	 آب و هوا و بیماری‌های شایع در مکه و جده
۳۰۱	 نمایه
۳۱۷	 فهرست منابع

دیباچه

سفرنامه‌های حج و زیارت حرمین، از مهم‌ترین منابع تاریخ اجتماعی، فرهنگی و مردم‌شناسی در حوزه حج و حرمین شریفین است. با این سفرنامه‌ها، افزون بر شناخت آداب و رسوم اقوام مختلف، مسیرکاروان‌های حج و شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار آن دوره، می‌توان با اوضاع مکه و مدینه، در روزگار نویسنده، به‌خوبی آشنا شد.

سفرنامهٔ حجاز «بورکهارت» - با توجه به دانش، بی‌طرفی نسبی و توانایی او در گزارش کردن جزئیات تاریخی - یکی از بهترین نمونه‌های این‌گونه سفرنامه‌هاست که شورای علمی پژوهشکده حج و زیارت، با توجه به اهمیت آن، ترجمه آن را در دستور کار قرار داد.

با اینکه این کتاب، حاوی اطلاعاتی دقیق و جزئی درباره امور مختلف، از جمله احکام و مناسک حج، اعتقادات دینی و اعلام تاریخی است، حضور اندک نویسنده در جوامع اسلامی و شناخت سطحی و ناقص او از اسلام، گاهی موجب شده است که از احکام و تعالیم اسلامی، مانند بستن احرام، مهریه و... انتقاد کند؛ با این حال رعایت امانت و حفظ اصالت اثر، ما را بر آن می‌داشت تا در متن اصلی تصرف نکنیم؛ اما تصمیم گرفتیم در موارد لازم توضیحاتی هم به ترجمه بیفزاییم. با این هدف، آقای محمدسعید نجاتی، عضو گروه تاریخ این پژوهشکده، که در دو رشته فقه و تاریخ اسلام تخصص دارد، مأمور انجام این مهم شد.

گروه تاریخ از زحمات مترجمان محترم که رنج ترجمه اثر تخصصی، با ادبیات قدیمی،

۸ سفر به عربستان شامل سرزمین‌های مقدس مسلمانان در حجاز

را متحمل شده و نیز از آقای نجاتی و تمام دست‌اندرکاران تصحیح، ویرایش، تایپ و چاپ این اثر، تشکر و قدردانی می‌کند و امیدوار است که انتشار آن، خدمتی شایسته به پژوهشگران و علاقه‌مندان این عرصه باشد.

انه ولی التوفیق

گروه تاریخ و سیره

پژوهشکده حج و زیارت

مقدمه مصحح

بورکهارت، از جهانگردان مشهور سوئسی قرن نوزدهم است. وی سرزمین نوبه و اطراف آن، و کشورهایمانند مصر، سوریه، حجاز و سرزمین‌های مجاور آنها را سیاحت کرد و سفرنامه‌های درخور توجهی از خود به یادگار گذاشت؛ یکی از سفرنامه‌های او، سفر به سرزمین‌های عربی است که در آن به توصیف مکه و مدینه و اطراف آنها پرداخته است.

او در جلد اول سفرنامه خود، به توصیف مشاهداتش از جده، طائف، مکه و محله‌های آن، کعبه و دیگر مکان‌های مقدس، مردمان مکه، حکومت و آب و هوای آن پرداخته و در جلد دوم، از مناسک حج، مدینه، مکان‌های زیارتی مدینه، حکومت و آب و هوای مدینه، شهر ینبع و سفر خود از ینبع به قاهره، سخن گفته است.

ریزبینی، پشتکار، تلاش و بی‌طرفی نسبی، ویژگی‌هایی است که اثر بورکهارت را جزو بهترین و مفیدترین سفرنامه‌های حج و حرمین قرار داده است. این کتاب، فارغ از انگیزه واقعی نویسنده، حاوی گزارش‌های منحصر به فردی از ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی حرمین شریفین در نیمه اول قرن نوزدهم است و گستره دانش نویسنده، توانسته محصول خوبی را به علاقه‌مندان تاریخ حرمین شریفین ارائه دهد؛ با وجود این، متن تخصصی و پراصطلاح و قرن نوزدهمی بورکهارت، و وجود اعلام و حوادث تاریخی متعدد - که نویسنده، با توجه به تخصصی بودن کتاب، نیازی به معرفی آنها ندیده است و همین طور محدودیت زاویه دید بورکهارت در گزارش مطالب نظری و فکری که تحت تأثیر فضای

مذهبی پیرامون خود بوده - باعث شده است تا پژوهشکده حج و زیارت، این کمترین را به خدمت گیرد؛ برای این منظور در مرحله اول در موارد مشکوک و مبهم، ترجمه با متن انگلیسی مطابقت داده شد و پاره‌ای از خطاهای نویسنده یا مترجم محترم، که به دلیل تخصصی بودن متن کاملاً طبیعی بود، اصلاح شد. در مرحله بعد، اعلام تاریخی و جغرافیایی که معرفی نشده بودند و نیز اطلاعاتی که به درستی انعکاس نیافته بود و شناخت اجمالی آن برای فهم متن ضروری بود، در پاورقی توضیح داده یا تصحیح شد. در مواردی نیز که بورکهارت به منابع تاریخی ارجاع داده، در موارد مهم و حساس به این منابع مراجعه شد. همچنین برای معرفی بورکهارت و بیان اوضاع و احوال دوران نگارش کتاب، که وجودش برای درک پاره‌ای از توضیحات و گزارش‌های کتاب ضروری می‌نمود، درآمدی نگاشته شد. شخصیت‌ها و حوادث تاریخی نیز، که بدون توضیح آمده بودند، در پاورقی‌ها به اختصار معرفی شدند.^۱

با هدف بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای پژوهشی و با توجه به گستردگی و تنوع مطالب مورد نیاز برای پاورقی‌ها، در کنار استفاده از منابع دست اول، از فرآورده‌های پژوهشی متأخر نیز، با دقت بر اتقان‌شان، استفاده شده است که می‌توان به مداخل متعدد دانشنامه حج و زیارت و نیز مقالات ویکی‌پدیای فارسی و عربی اشاره کرد. گفتنی است آنچه تقاضای ارائه انتقادهای پیشنهادی سازنده را از سوی خوانندگان فرهیخته دوچندان می‌کند، بضاعت اندک بنده و گستردگی مطالب این کتاب است. امید است انتشار ترجمه فارسی و اصلاح‌شده این اثر، خدمتی به پژوهشگران عرصه حج و حرمین شریفین باشد.

محمدسعید نجاتی

nejati13@chmail.ir

۱. برای تفکیک میان پاورقی‌های مؤلف، مترجم و مصحح، پاورقی‌هایی که بنده فراهم کرده‌ام، با عبارت «مصحح»، در انتهای آن، مشخص شده است.

درآمد

الف) زندگینامه بورکهارت

جوهان لادویک بورکهارت،^۱ مشهور به جان لوییس بورکهارت،^۲ مسافر مکه به سال ۱۸۱۴ میلادی، از نزدیک شاهد تهاجم اول وهابیان به مکه بوده و مفاهیم جامعه‌شناختی اعراب جزیره العرب را نخستین بار در نوشته‌های خود راه داده است. وی، در تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۷۸۴ میلادی، در شهر لوزان^۳ سوییس، زاده شد و پس از پایان تحصیلات دانشگاهی، در تابستان ۱۸۰۶ میلادی به انگلستان رفت و به خدمت سازمان مطالعات آفریقا و خاورمیانه درآمد. او برای آمادگی در انجام مأموریت‌های این سازمان، در سال ۱۸۰۸ میلادی به دانشگاه کمبریج رفت و به آموختن زبان عربی، طب و نجوم پرداخت. بورکهارت در این برهه، برای زندگی در وضعیت دشوار، آماده می‌شد؛ از همین رو خود را از لذت‌های زندگی محروم کرده بود؛ با این هدف که خود را مسلمان و عرب معرفی کند. وی نخست به سوریه رفت تا افزون بر تکمیل زبان عربی، با آیین اسلام آشنا شود. بورکهارت خود را ابراهیم بن عبدالله، و از بازماندگان بردگانی معرفی کرد که محمدعلی پاشا به آنها دست یافته بود.

بورکهارت دو سال در سوریه ماند و نکات دقیقی از آداب و رسوم بدویان آن مناطق

1. Johann Ludwig Burckhardt.

2. John Burckhardt Lewis.

3. Laussann.

نگاشت که بعدها دست‌مایه تحقیقات غربی، درباره صحرائشینان مناطق عربی شد. وی در سفرهایی که به خاور میانه داشت، شهر تاریخی پترا را، در جنوب غربی اردن، کشف کرد. او در سال ۱۸۱۲ میلادی، با هدف یافتن سرچشمه رود نیجریه، به قاهره رفت؛ اما آن مناطق را بسیار صعب‌العبور یافت و سفر اکتشافی خود را به‌طور موقت کنار نهاد؛ سپس در لباس بازرگانی سوری، از طریق دریای سرخ و از راه جده وارد مکه شد و سه ماه در آنجا ماند و سپس به مدینه رفت. بورکهارت سفرش را به مکه لذت‌بخش خوانده است؛ لذتی که در دیگر سرزمین‌های شرقی تجربه نکرده است.

از انگیزه اصلی وی برای سفر به مکه، آگاهی دقیقی در دست نیست. برخی نیت‌های پشت پرده و پنهان مأموریت بورکهارت، هنگامی بر ما روشن می‌شود که سیاست انگلستان را در آن دوره واکاوی کنیم. انگلستان در آن هنگام می‌کوشید از راه‌های منتهی به هندوستان به دقت مراقبت کند تا در برابر نفوذ روزافزون فرانسه در شرق بایستد؛ زیرا فرانسه، پس از شکست در هند، کوشید بر بخش شرقی امپراتوری انگلستان تسلط یابد و راه ارتباطی هند و انگلستان، یعنی کشور مسلمان مصر، را در اختیار گیرد؛ از این‌رو انگلستان به شرق، به‌ویژه مصر و سرزمین‌های پیرامون آن، بسیار اهتمام داشت. هنگامی که شبه جزیره عربستان شاهد رویارویی محمدعلی پاشا و وهابیان بود، بورکهارت می‌توانست با ذکاوت و هوشیاری به اهداف انگلستان خدمت کند.

بورکهارت در ۱۵ جولای ۱۸۱۳ میلادی وارد جده شد و پس از حدود سیزده ماه، در اواخر آگوست ۱۸۱۴ میلادی، جده را به سوی مکه ترک کرد. آنچه در سفرنامه بورکهارت بسیار درخور توجه است، دقت بالا و دسته‌بندی او در بیان رویدادها و مطالبی است که شنیده و دیده است. وی قیمت انواع لباس، آب و انواع غذا را در مکه، در فهرستی بلند، ارائه کرده بود؛ گویی از نخست می‌دانست که دقیقاً در پی چگونه آگاهی‌های تاریخی یا جامعه‌شناسانه‌ای است؛ البته مطالب گردآوری‌شده بورکهارت، به دست شخص یا اشخاصی دیگر تنظیم شده است و افزون بر وی، گردآورندگان یادداشت‌ها نیز در دسته‌بندی و ارائه خوب مطالب، نقشی مؤثر ایفا کرده‌اند؛ برای نمونه، نویسنده، ذیل موضوعات جداگانه و مشخص، به بررسی موقعیت جغرافیایی شهرها، وضعیت معیشتی

مردم، وضع سیاسی و حکومت هر شهر، توضیح آداب مربوط به زیارت و تاریخ آن پرداخته است تا خواننده به راحتی آگاهی‌های مورد نیاز خود را در کتاب بیابد. گاهی بورکهارت با جزئیات، به آثار تاریخی کوچه‌های مکه نیز اشاره می‌کند. مکان‌های فراوانی بیرون مکه وجود داشته که او به آنها پرداخته و از قداست آنها سخن گفته است؛ همچون مکان شق‌القمر و جبل‌النور.

بورکهارت، در روزگار حکومت عثمانی، در مکه حضور داشت. در آن زمان، بر اثر حمله وهابی‌ها، بسیاری از مکان‌های تاریخی این شهر ویران شده بودند و هم‌زمان با حضور وی، دولت عثمانی در حال بازسازی این مکان‌ها بود.

بورکهارت پس از سه ماه اقامت در مکه، در ۱۵ ژانویه ۱۸۱۵ میلادی، روانه مدینه شد. او مدینه را از بهترین شهرهای شرق می‌دانست و آن را هم‌ردیف حلب قرار می‌داد و بر آن بود که ظاهر شهر، از رونق و تمدن غنی گذشته آن خبر می‌دهد.

بورکهارت در ۲۱ آوریل ۱۸۱۵ میلادی از مدینه به سوی شهر بندری ینبع، و از آنجا به قاهره حرکت کرد و بدین ترتیب، از عربستان خارج شد. او در ژوئن ۱۸۱۵ میلادی به قاهره بازگشت تا به سفر خود، برای کشف رودخانه نیجر، ادامه دهد؛ اما پس از اینکه مدت‌ها منتظر تشکیل تیم و حرکت خود بود، بر اثر بیماری، در ۱۵ اکتبر همان سال در قاهره درگذشت.

وی در حین سفر، نوشته‌های خود را به انگلستان مخابره می‌کرد؛ بنابراین به نظر می‌رسد تنها جزئیات بسیار اندکی از سفر وی نامشخص مانده باشد. وی دست‌نوشته‌های خود را به دانشگاه کمبریج واگذار کرد. پس از مرگش، در سال ۱۸۲۹ میلادی، «ویلیام اوسی»^۱ از سوی مرکز مطالعات افریقا و خاورمیانه در لندن، مجموعه نوشته‌های او را از سفر مکه و مدینه، در قالب دو مجلد، با عنوان *سفر به عربستان*^۲، به چاپ رساند. این اثر به زبان انگلیسی و مجموعاً در ۸۸۱ صفحه، با مقدمه‌ای از اوسی، نگاشته شده است.

مجموعه نوشته‌های او پس از مرگش، با همت انجمن مطالعات افریقا، به ترتیب زیر به

چاپ رسید:

1. William Ousey.

2. Travels in Arabia.

۱۴ سفر به عربستان شامل سرزمین‌های مقدس مسلمانان در حجاز

۱۸۱۹ میلادی، سفر به نوبیا؛^۱

۱۸۲۲ میلادی، سفر به سوریه و سرزمین‌های مقدس؛^۲

۱۸۲۹ میلادی، سفر به عربستان؛^۳

۱۸۳۰ میلادی، ضرب‌المثل‌های عربی؛^۴

۱۸۳۱ میلادی، یادداشتی درباره بدوی‌ها و وهابیت.^۵

ب) اوضاع سیاسی و اجتماعی حجاز در دوره بورکهارت

حضور بورکهارت در شبه جزیره مربوط به سال‌های ۱۸۱۳ میلادی / ۱۲۲۸ قمری تا ۱۸۱۵ میلادی / ۱۲۳۰ قمری است. در این عصر، امپراتوری عثمانی رو به اضمحلال و تجزیه تدریجی بود که قدرت یافتن دولت مصر و به دنبال آن دولت اشراف در حجاز، نشانه‌هایی از این تجزیه تدریجی بود.

در این دوره قدرت‌های اروپایی، با وجود برتری نظامی، اقتصادی و فناوری، نتوانستند بر سرزمین‌های عثمانی تسلط یابند؛ آنچه توانست دولت عثمانی را در این میانه حفظ کند - افزون بر تلاش‌های بی‌سرانجام دولت عثمانی برای اصلاح جامعه و دولت خود، با هدف تبدیل شدن به بازیگری موفق در عصر مدرن - رقابت بین دولت‌های اروپایی در دست‌اندازی به عثمانی بود؛ چه آنکه توازن قوا باعث می‌شد هر یک از این دولت‌ها، مانع دست‌اندازی دیگری شود؛ ولی نهایتاً، پس از پایان جنگ جهانی اول، امپراتوری عثمانی به دولت‌های کوچک متعددی، در ترکیه و آسیای غربی، تبدیل شد.^۶

1. Travels in Nubia.

2. Travels in Syria and The Holy Lands.

3. Travels in Arabia.

4. Arabic Proverbs.

5. Notes on the Bedouins and Wahaby.

۶. برگرفته از زهرا نیستانی و سیدحمیدرضا نجفی، مدخل «بورکهارت، جان لوئیس»، دانشنامه حج و حرمین شریفین (مصحح).

۷. لاپیدوس، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه علی بختیارزاده، ص ۸۳۱.

در زمان بورکهارت امارت مکه به دست اشراف (سادات حسنی) بود که زیر نظر نماینده خلیفه عثمانی، عنوان نسبتاً تشریفاتی امیر مکه را داشتند. هر شریف جدید، به محض آنکه بر تخت امارت می‌نشست، نامه‌ای به خلیفه عثمانی می‌نوشت و او را از وضعیت جدید آگاه می‌ساخت تا فرمان تازه خلیفه را در تأیید امارت خود بگیرد. این فرمان در مسجدالحرام، و در حضور اصحاب حل و عقد، و در مراسمی باشکوه، و با آداب و رسوم خاص خوانده می‌شد.

شهرهای دیگر حجاز هم تابع مکه بود و به‌طور معمول، کسی از ناحیه امیر مکه، به اداره امور آنها می‌پرداخت. البته در شهرهایی مانند مدینه و یمن و جدّه، یک حاکم ترک نیز به عنوان نماینده دولت عثمانی، با کسی که از طرف امیر مکه منصوب بود، در اداره امور مشارکت داشت. در جدّه یک هنگ نظامی از طرف عثمانی حضور داشت که جایگزین لشکر چرکسی شکست‌خورده پیشین بود؛ البته در کنار آن، برای اداره امور اهالی، یک نفر هم از طرف امیر مکه حضور داشت که به او وزیر جدّه گفته می‌شد. وظیفه‌ای که افزون بر هنگ جدّه، به وظایف نماینده دولت عثمانی افزوده شده بود، عنوان *مُشیخَةُ الحَرَمین* برای مباشرت در تعمیرات مکه و نیز اشراف بر اداره شهر بود.

سرهنگ جدّه، اوامر خود را مستقیم از استانبول (قسطنطنیه)^۱ یا در مواردی از والی ترک مصر دریافت می‌کرد و در جریان عزل و نصب امیری از اشراف، و تقدیم خلعت نیز مشارکت می‌کرد. والی ترک مصر هم می‌توانست در امور مکه مداخله‌هایی داشته باشد؛ زیرا سلاطین عثمانی به آنان اعتماد داشتند و آرای آنان را به دلیل نزدیکی‌شان به حجاز، محترم می‌داشتند؛ چه، خودشان از مکه بسیار دور بودند.

نیروی نظامی عثمانی، حوالی قرن دوازدهم هجری، در مکه مستقر شد و تأثیر آن در رخدادهای این شهر آشکار گردید. فرماندهی این نیرو با سرداری بود که از هنگ جدّه

۱. نام قسطنطنیه از نام کنستانتین پولو یا شهر کنستانتین گرفته شده است. زیرا این شهر پایتخت قیصر روم کنستانتین یکم بود. پس از فتح این شهر به دست سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۳ م، نام آن به اسلامبول (شهر اسلام) تغییر یافت، در زبان انگلیسی، برای هر کدام از واژه‌های قسطنطنیه (Constantinople) و استانبول (İstanbul) معادل جداگانه‌ای هست؛ اما بورکهارت اصرار دارد نام رومی و پیش از اسلام این شهر را برای آن، حتی در دوره‌های متأخر و اسلامی، به کار ببرد. (مصحح)

دستور می‌گرفت. در بیشتر این دوره، عثمانی‌ها جز در دو منصب قاضی و محتسب، کسی را در شهر، عزل و نصب نمی‌کردند و مأموری نداشتند. کار محتسب هم، در بیشتر اوقات، به فرمانده هنگ جده واگذار می‌شد؛ اما وظیفه افتا در این شهر بر عهده علمای مکه، و با حکم امیر و تأیید دولت عثمانی بود.

هنگ جده، به رغم آنکه کارش نظارت بر شئون حرمین بود، به مرور زمان بر سلطه‌اش افزوده می‌شد تا آنجا که نظارت بر اجرای تمامی اوامر سلطانی در اختیار آن قرار گرفت. وقتی امیری ضعیف یا مسالمت‌جو در مکه حاکم می‌شد، این هنگ فرصت می‌یافت که از اختیارات او بکاهد و بر سرنوشت شهر و امور آن چیره‌تر شود؛ البته امیران نیرومند اشراف، به هنگ جده توجهی نمی‌کردند؛ چنان‌که گاه همین برخورد را با اوامر سلطانی که از مرکز خلافت عثمانی می‌آمد، داشتند.

درآمدی که از ناحیه عوارض گمرکی و ورودی حجاج به دست می‌آمد، در اختیار امیران مکه بود و آنان بر این درآمد تسلط داشتند. بخشی از این درآمد به صورت سهام، میان خاندان‌های اشراف توزیع می‌شد تا آنکه از سال ۱۰۴۰ قمری، در پی حوادثی که روی داد، این درآمد به خزانه دولت عثمانی منتقل شد.

در سال ۱۲۲۰ قمری، فرماندهی نظامی مستقر در مصر، محمدعلی پاشا، جد خاندان خدیوی مصر را به عنوان والی مصر انتخاب کرد؛ سپس واقعه را برای دربار عثمانی نوشت و دولت عثمانی هم او را تأیید کرد. وی در سال ۱۲۲۶ قمری لشکری را به فرماندهی پسرش، توسون، برای سرکوب سعودی‌ها، به حجاز فرستاد که توانست در سال ۱۲۲۷ قمری شهر مدینه را از آنان باز پس گیرد. توسون، در اوائل محرم ۱۲۲۸ قمری، با کمک پنهانی شریف غالب، بر جده مسلط شد و نیروی‌های سعودی از قلعه جده گریختند. آنان سپس وارد مکه شدند و شریف غالب، به استقبال سپاه مصری آمد. عبدالله بن سعود به سمت خُرْمه، در شرق طائف، عقب‌نشینی کرد تا آنکه شریف غالب، در رأس سپاهی، توانست با دست کشیدن قبایل بدوی از حمایت نجدی‌ها، فرمانده سپاه نجدی وهابی را اسیر کند و به مصر بفرستد. پس از این پیروزی‌ها بود که محمدعلی پاشا از مصر به حجاز آمد و شریف غالب و فرزندانش را به جرم همکاری اولیه با آل سعود به مصر

برد و سپس آنان را به ترکیه فرستاد؛ آنان، تا زمان مرگ غالب در سال ۱۲۳۱ قمری، در شهر سلانیک نگاهداری شدند.

با خروج غالب و فرزندانش از مکه، امارت در اختیار برادرزاده‌اش یحیی بن سرور قرار گرفت و وی در مراسمی رسمی، در اواخر ذی‌قعدة ۱۲۲۸ قمری، امیر حجاز معرفی شد. وی هنگام ورود بورکهارت به حجاز، شریف حجاز بود.

پس از نصب یحیی بن سرور، محمدعلی پاشا ترتیبات اداری جدیدی را در مکه وضع کرد. وی کار بادیه را به شریف شنبّر بن مبارک منعمی، و همچنین امور دفاعی و امنیت را به فرمانده نیروهای ترکی - مصری سپرد که او را محافظ و رئیس دفاع می‌گفتند؛ بدین ترتیب چندین محور قدرت در مکه، برای چندین شخص، پدید آورد.

محمدعلی پاشا پس از انجام حج در سال ۱۲۲۸ قمری، تا ذی‌قعدة سال ۱۲۳۱ قمری، همراه پسرش، توسون، به جنگ‌های بی‌نتیجه و فرسایشی با سعودی‌ها پرداخت. این دوره، با زمان اقامت بورکهارت در حجاز مقارن است.

پس از صلحی چندماهه، توسون پاشا، در سال ۱۲۳۲ قمری، پس از بازگشت از حجاز، درگذشت. اما در جُمادی‌الاولی سال ۱۲۳۳ قمری، محمدعلی پاشا توانست عبدالله بن سعود را در مرکزشان، درعیه، اسیر کند و به دربار عثمانی بفرستد؛ ابن سعود در دربار عثمانی اعدام شد؛ سپس از مصر به محمدعلی پاشا فرمان رسید که درعیه را به‌طور کامل منهدم کند و آتش بزند.

از آن پس، اوضاع برای چند سال در مکه آرام بود تا اینکه بار دیگر میان خاندان‌های اشراف آشوبی به‌پا شد. آشفتگی، این بار از توزیع قدرت میان امیر بلاد و اشخاص دیگر ناشی بود؛ البته موقعیت رسمی‌شان، نوعی نفوذ را برای آنان فراهم می‌کرد. مکه پس از درگیری‌های سال ۱۲۵۶ قمری / ۱۸۴۱ میلادی دوباره زیر سلطه دولت عثمانی درآمد؛ اما پس از شکست اشراف آل سعود در سال ۱۳۴۴ قمری و پایان حکومت پادشاهی آنان، مکه دوباره به سلطه آل سعود درآمد.^۱

۱. سباغی، تاریخ مکه، ص ۵۹۷ تا ۷۴۴ (مصحح).

مقدمه مؤلف (بورکهارت)

در صفحات این ژورنال، بارها نقل قول‌های مورخان عربی را، که کتاب‌هایشان نزد من است، نوشته‌ام و حالا حسرت می‌خورم که چرا در سفر حجاز، آن دست‌نوشته‌ها همراهم نبودند؛ دوتای اول را در سفرم به قاهره، پس از برگشتم از عربستان خریدم. این دست‌نوشته‌ها عبارت‌اند از:

- یکی کتاب/خبر مکه که تاریخ شهر مکه است: یک کتاب قطور ربعی است^۱ که ابی‌الولید ازرقی، وقایع سالانه شهرش را، تا آن دوره از زمان، دنبال کرده است. این کتاب از این حیث جالب است که شرحی از نقشه موضعی مکه است و نویسنده، با کشور عربستان پیش از اسلام و اسلام‌گرایی، آشنا بوده است. از دستخط این کتاب خطی پیداست که ششصد یا شاید هفتصد ساله است.^۲

۱. قطع ربعی با ابعاد ۱۶/۵ × ۱۲ سانتی‌متر حدوداً (B6) است. <https://aa-pub.ir/standard-edition-book-books>
۲. کتاب/خبر مکه، کتابی کهن در تاریخ محلی مکه، نوشته محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد غسانی، مشهور به ابوالولید ازرقی مکی است.

اخبار مکه کهن‌ترین کتاب موجود درباره مکه، و در شمار منابع اصلی بسیاری از آثار تاریخی در این موضوع است. ویژگی‌هایی مانند مکی بودن نویسنده و پدران او، آگاهی نزدیک و گسترده‌اش درباره موضوع، همراه بودن گزارش‌ها با اسناد، و اشمال کتاب بر مسائل و موضوعات گوناگون تاریخی، جغرافیایی، فقهی و کلامی، موجب شده است تا این اثر همواره مرجعی مهم برای آثار تاریخی و جغرافیایی به شمار آید. بسیاری از گزارش‌های این کتاب، به عبدالله بن عباس (م. ۶۸ق.) و شاگردان او، که آگاهی‌های تاریخی بسیاری از مکه داشته‌اند و نیز ابن اسحاق (م. ۱۵۱ق.)، عثمان بن ساج (م. ۱۸۰ق.) و واقدی (م. ۲۰۷ق.) می‌رسد.

در/خبر مکه، نمایی از پیشینه مذهبی، اجتماعی، سیاسی، قضایی و معماری مردم مکه، از آغاز تا روزگار ۴

- تاریخ دیگری از شهر مکه، با عنوان *العقد الثمین*، در سه جلد با قطع بزرگ، نوشته تقی‌الدین فاسی که خودش قاضی مکه بود. این تاریخ، وقایع شهر مکه را تا سال ۸۲۹ هجری ذکر کرده که موضوع جلد اول است. دو جلد دیگر نیز مشتمل بر حکایات زندگی اهالی برجسته و اعیان مکه است.^۱

- تاریخ مسجد مکه، که با تاریخ شهر مکه همراه شده است، نام کتاب *الإعلام بآعلام بلد الله الحرام* است که در یک جلد با قطع ربعی است. نویسنده آن، قطب‌الدین المکی است که از صاحب‌منصبان مکه بوده و وقایع شهر مکه را تا سال ۹۹۰ قمری ذکر کرده است.^۲

→ زندگانی نویسنده، آمده است. ازرقی از موضوعات بسیاری سخن گفته که همه، به گونه‌ای، با کعبه پیوند دارند. آگاهی‌های ازرقی از مکان‌ها و اشیای مکه و کعبه بسیار دقیق و سودمندند. او ویژگی‌ها، حدود و مساحت مکان‌های مقدس و متبرک مکه و اشیای مربوط به کعبه را با جزئیات مشخص کرده است. پاره‌ای از آگاهی‌های او مربوط به مکان‌هایی است که در آغاز اسلام، رویدادهایی مهم در آنها رخ داده است و امروز از آنها اثری نیست؛ زیرا دستخوش ویرانی‌های دهه‌های اخیر گشته‌اند. (ابراهیم احمدیان، *دانشنامه حج و حرمین شریفین*، مدخل اخبار مکه ازرقی، ج ۲، ص ۷۱) (مصحح).

۱. *العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین* کتابی به زبان عربی است، در معرفی مکه مکرمه و شرح حال شخصیت‌های مهمی که در این شهر بروز و ظهور کرده‌اند؛ چون مؤلف علاقه زیادی به آشنایی بیشتر با اخبار و آثار مربوط به مکه، بیش از آنچه در کتاب *خبار مکه* ابوالولید ازرقی است، داشته است، دست به تتبع و تفحص زده و اثر حاضر را پدید آورده است. کتاب که در هفت جلد انتشار یافته، مشتمل بر مقدمه‌ای مفصل به قلم محقق، مقدمه‌ای به قلم مؤلف و دو بخش، شامل مطالب زیر است:

- در بخش نخست، درباره مکه، تاریخ، فضایل و آثار تاریخی آن و نیز حدود و ثغور و مساحت آن، ضمن چهل باب؛ حکم خرید و فروش و اجاره خانه در مکه، نام‌های مکه، حرم مکه و وجه حرمت داشتن این مکان و نیز حدود و علامت‌های آن و...؛ معرفی اماکن اطراف کعبه که پیامبر ﷺ در آنها نماز گزارده؛ برخی اخبار مربوط به مسجدالحرام و زمزم و اماکن مربوط به مکه، مانند مدارس، رباط‌ها، سقاخانه‌ها، چاه‌های آب و چشمه‌ها و... .

- بخش دوم کتاب نیز به شرح حال افراد، به ترتیب حروف الفبا، اختصاص یافته است. در این کتاب، شرح حال ۳۵۵۲ تن آمده است. (ر.ک: هاشمی مکی، *الدر الکمین*، ج ۱، ص ۱۷-۲۸).

۲. کتاب *الإعلام بآعلام بیت الله الحرام*، یکی از منابع اصلی بورکهارت است که در مقدمه و موارد مختلفی از متن، به آن اشاره کرده است. این کتاب، تاریخ بنای کعبه، مسجدالحرام و آثار و بناهای پیرامون آن و تحولات، گسترش و تعمیرات آن در گذر تاریخ را بیان کرده و حاوی گزارش‌هایی از دیده‌های نویسنده، در زمینه تحولات مربوط به دوران عثمانی، در این مکان‌هاست. نویسنده، قطب‌الدین محمد بن احمد بن محمد نهروالی (۹۱۷-۹۹۰ ق)، از تاریخ‌نگاران، دانشوران و مفتیان حنفی مکه، اصالتاً از مردم عدن یمن و مشهور به دانشوری بوده که اجداد او، در سده هفتم هجری قمری، به هند مهاجرت کردند. قطب‌الدین در نهرواله، از شهرهای ایالت گجرات هند، ←

- تاریخ حجاز با تمرکز بر شهر مکه، نوشته العصامی. از این کتاب فقط جلد دوم را دارم؛ یک کتاب خطی بزرگ، شامل شرح وقایع تاریخی از زمان بنی‌امیه تا سال ۱۰۹۷ قمری است که نتوانستم نام این کتاب را، که حاوی اطلاعاتی عجیب و ارزشمند است، معلوم کنم. مؤلف کتاب از اهالی مکه است.^۱

- تاریخ مسجد نبوی و شهر مدینه. نام این اثر خلاصه الوفا، نوشته نورالدین علی بن

→ زاده شد. الاعلام باعلام بیت الله الحرام، که نهروالی تألیف آن را در هشتم ربیع‌الاول سال ۹۸۵ قمری به پایان رسانید، مهم‌ترین نوشته درباره تاریخ و تحولات مکه در نیمه دوم سده دهم هجری قمری است که افزون بر مرجعیت آن در دوره خود، منبعی برای نگاشته‌های بعدی است. برخی نام این کتاب را الاعلام باعلام بلد الله الحرام یاد کرده‌اند.

کتاب با مقدمه‌ای در بیان اسناد تاریخی و روایی، درباره مسجدالحرام و مکه مکرمه، آغاز می‌شود. سپس با رعایت ترتیب تاریخی، در شش باب، ویژگی‌های مکه، حکم همسایگی، فروش و اجاره منازل آن، تاریخ ساخت کعبه، وضع مسجدالحرام در روزگار جاهلیت و آغاز اسلام، کارها و افزوده‌های عباسیان و مهدی عباسی در آن، و تعمیر و گسترش‌های مالیک در این مسجد را بیان می‌کند؛ سپس در چهار باب و نزدیک به نیمی از کتاب، به پیدایش حکمرانان عثمانی، دوران سلطان سلیمان عثمانی، سلطان سلیم عثمانی، سلطان مراد عثمانی و کوشش‌های ایشان در مسجدالحرام می‌پردازد؛ آن‌گاه در خاتمه، مکان‌های تاریخی و مقدس مکه را برمی‌شمرد. (اباذر جعفری، دانشنامه حج و حرمین شریفین، مدخل الاعلام باعلام بیت الله الحرام، ج ۲، ص ۷۱۲).

۱. کتاب مورد نظر بورکهارت، سمط النجوم العوالی، از عبدالملک بن العصامی است. عبدالملک بن حسین بن عبدالملک العصامی (م. ۱۱۱۱ ق.) از دانشمندان و مورخان قرن یازدهم هجری است. پدرش او را به نام پدر خود، امام الحرمین عبدالملک، مشهور به ملاعصام (۹۷۸-۱۰۳۷ ق.)، عبدالملک نامید. عبدالملک بن حسین عبدالملک اسفراینی، در سال ۱۰۴۹ قمری در مدینه متولد شد و همان‌جا به تحصیل علم پرداخت و در سال ۱۱۱۱ قمری درگذشت. آثار باقی‌مانده از او عبارتند از: سمط النجوم العوالی (در تاریخ) و قید الأوابد.

سمط النجوم کتابی است شامل تاریخ کامل اسلام، به علاوه تاریخ حاکمان حجاز تا قرن دوازدهم هجری که با استفاده از ۱۰۶ منبع نگاشته شده است. این کتاب شامل اطلاعات کاملی است درباره سیره پیامبر اسلام ﷺ و اجداد آن حضرت، از حضرت آدم و همسران و فرزندان و سایر خویشان ایشان و تاریخ پیامبر اسلام ﷺ و خلفای راشدین و زندگینامه و فضایلشان و نیز تاریخ خلفای اموی و عباسی و فاطمی و دولت ایوبیان و مالیک و خلافت عثمانی تا ابتدای قرن دوازدهم هجری قمری. همچنین در این کتاب، اطلاعات مفصل و منحصر به فردی درباره حکومت اشراف در مکه وجود دارد. اسفراینی این کتاب را در مدت چهار سال، از ربیع‌الثانی سال ۱۰۹۴ قمری تا صفر سال ۱۰۹۸ قمری نگاشته است. (عصامی، سمط النجوم، ج ۱، ص ۶۳) (مصحح).

احمد سمهودی است که کتابی بزرگ است و نویسنده، وقایع شهر مدینه را تا سال ۹۱۱ قمری در آن نگاشته است.^۱

۱. *وفاء الوفا بأخبار دار المصطفى* کتابی است که درباره تاریخ شهر مدینه منوره نگاشته شده است. نویسنده کتاب، نورالدین علی بن عبدالله سمهودی، از عالمان شافعی‌مذهب است که به امیرالمؤمنین علی عليه السلام نسب می‌برد. او متولد سال ۸۴۴ قمری در سمهود، روستایی کنار رود نیل، است و به سال ۹۱۱ قمری از دنیا رفت. سمهودی تحصیلاتش را در قاهره و سپس مکه به انجام رساند؛ سپس به سال ۸۷۳ قمری به مدینه رفت و مفتی آنجا شد؛ چنان‌که مورخ مشهور مدینه نیز به حساب می‌آید. وی چندین کتاب درباره این شهر مقدس تألیف کرد. *وفاء الوفا* گزیده‌ای است از کتابی دیگر با نام *إقتفاء الوفا بأخبار دار المصطفى* عليه السلام که توسط مؤلف نگاشته شده است. مؤلف، در خطبه کتاب، به نحو اختصار به محتوای کتاب اشاره می‌کند. این کتاب در هشت باب به موضوعاتی چون نام‌های شهر مدینه، فضائل مدینه، تاریخ پیش از اسلام مدینه، مساجد و مکان‌های مهم مدینه، مصلی پیامبر اکرم در روزهای عید، چشمه‌ها و چاه‌های متبرک مدینه، کوه‌ها و نواحی حومه مدینه و فضیلت زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته است. «سمهودی، *وفاء الوفا*، ج ۱، ص ۸» (مصحح).